

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

احمدشاه وردک- کابل - افغانستان

۱۱/۰۲/۰۴

خداکند مصری ها دعاگوی کفن کش قدیم نشوند!

با احترام فراوان به مبارزات به حق توده های مردم شمال افریقا و درود فراوان بر شهدای راه آزادی، عدالت و برابری!

در این روزها حوادث کشورهای عربی اذهان جهانیان را به خود مصروف ساخته و انقلابات؟ تونس و مصر عناوین اصلی رسانه ها گردیده است. دوستان محترم ما هم در این مورد نظریات خویش را از طریق پورتال عزیز "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان"، ارائه داشتند و از این حواث به خوشبینی فراوان یاد نمودند.

ازینکه دریک گوشه جهان حکومت خود کامه و دیکتاتور سقوط میکنند مایه خرسندی همه انسانها میگردد، بالخصوص درکشوری بزرگ و تاریخی مانند مصر! خلق های زحمت کش همیشه با بهای خون خویش آزادی های خویش را از زورمندان به دست آوردند و تاریخ بشریت را پر از حماسه ها ساختند. ولی چیزهاییکه امروز درکشورهای عربی جریان دارد قابل تأمل و تحقیق بیشتری است و انسانرا با سؤالیهای گوناگون روبرو میسازد:

۱- این حکومت خودکامه تا دیروز مدافع دموکراسی و به اصطلاح مردم سالاری نمونه غربی محسوب میگردد و جهان امپریالیزم با تمام نیرو از آن پشتیبانی میکردند و هیچ نوع انتقادی از آن صورت نمیگرفت؟

۲- این حکومت که به ظاهر جمهوری نامیده میشدند ولی درحقیقت از ظالم ترین شاهای مطلقه نیز افراطی تر و سیه تر بودند، در ظاهر باشیوه های عصری و غربی مانند عمل میکردند و به اصطلاح نهادهای دموکراتیک نیز داشتند ولی درحقیقت به غیر از نظام های مستبد و توتالیتر، یک حزبی که باتمام نیرو مخالفین خویشرا سرکوب میکردند، چیزی دیگری نبودند

۳- چه باعث شد که ستاره بخت این ابوالهول ها روبه غروب گذاشت و آنها را مجبور به ترک قصرهای خویش کردند؟ آیا این فروریزی محدود به تونس و مصر می مانند و یا هم به سایر کشورها سرایت کرده و چلتارهای امیران حوزه خلیج و آخوند های ایران را به لرزه خواهد آورد؟

سؤالی مهمی که در اینجا مطرح میگردد، مطالعه پیشینه روط و وابستگی این رژیم ها با کشورهای امپریالیستی است. خدماتیکه این رژیم ها به استعمار و امپریالیزم در مرحله ای از تاریخ انجام داده اند قابل غور و دقت میباشد.

یعنی اگر این رژیم ها دیگر در راه منافع استعمار جهانی متمرکز و مفید نباشند و رولیکه آنها در زمان جنگ سرد و در اول قرن بازی کردند، دیگر نتوانند بازی نمایند به یقین کامل از بین خواهند رفت.

در این شکی نیست که آزادی بیان و تعدد رسانه ها و مطبوعات الکترونیکی یکی از دست آوردهای گرانبهای بشریت میباشد، ولی با تأسف باید گفت که مونوپول استعمار محدود به کالاهای مصرفی و سایر تولیدات محدود نمانده بلکه مهمترین بخش از سرمایه انسانی یعنی آگاهی انسان رانیز درید خود قرارداد است.

بزرگترین آژانس های خبری مانند یونایتد پرس، فرانس پرس، رویتر و غیره و غیره کمپرادوران جهان استعمار بوده که به تمام معلومات خبری و تحلیلی در سراسر جهان انحصار خویش را قایل کرده اند و با اغوا کردن اذهان عامه از منافع امپریالیزم دفاع میکنند.

هم وطنان ما خوب به یاد دارند زمانه های جنگ خانمان سوز کابل را:

مردم خیرخانه تا شب منتظر بودند تا خبرهای جنگ کوتاه سنگی را از بی بی سی بشنوند و به همین منوال امروز هم این انحصار در تمام ابعاد ژورنالیزم بالای توده های مردم ادامه دارد و تنها چیزهایی را به مغز مردم وارد میسازند که منافع شانرا تضمین نماید. پس اگر معتقد باشیم که رسانه ها در تغییر افکار مردم تاثیر دارد، باید اعتراف نمائیم که سروکار ما باز هم با گرگ کهنه کاری است که توسط فیس بوک و دیگر سایت ها انقلابات نارنجی و مخملی و سبز و غیره را به راه می اندازند و یا به آنها کمک می نمایند. مابه هیچ وجه نمیخواهیم که فداکاری های مردم را نادیده بگیریم و خدانخواستہ به رول کلیدی آنها ارجی قایل نشویم؟ ولی متأسفانه تجربه ما چنین نشان میدهد که ثمره همه این تلاش ها و مبارزات توده ها، باز هم به همان جوال ها می افتد که سالها و قرن ها افتیده است.

عوامل نارضایتی در تمام کشورهای که توسط استعمار حمایت میشوند وجود دارند ولی از آنها صرف وقتی کار گرفته میشوند و تبدیل به انقلابات میگردند که خود استعمار بخواهد؟ در غیر آن در نطفه خفه ساخته شده و بی رحمانه سرکوب میگردند. در جهان مثالهای زیادی وجود دارد که امپریالیست ها دست به دست هم داده بالای سرنوشت دیگر ملت ها معامله کردند و هیچ توجهی به خواسته های به حق مردم صورت نگرفته است. مانند جنگ های آزادیبخش کردها، جنگ های افغان و انگلیس، جنگ مردم چین باروس و صد ها مثال دیگر.

مردم ما همیشه میگویند که ما افغانها در میدان جنگ پیروز بودیم ولی در میدان سیاست باختیم؟ بلی بسیار به جا گفته اند:

اگر به نتایج هر سه جنگ افغان-انگلیس نظر اندازیم واقعا چنین بوده است. هم چنان تاریخ زنده مبارزه به حق مردم مجاهد ما چطور توسط استعمار به هیروین فروشی و دهشت افگنی و چوروچپاول مبدل گردید. امروز هم که از یک طرف کشور ما از نه سال به این طرف توسط قوای امپریالیستی اشغال شده و همه روزه کودکان ما قربانی فاشیسم نیو لیبرال میگردد و از طرفی هم مقاومت مردمی ما توسط همین ها به یغما برده شده، کنترل و مهندسی میگردد و مردم را چنان گیج و سردرگم ساخته اند که دزد و صاحب خانه در بین ما گم شده است. بلی یکی از موسفیدان قریه ما در وقت کمپاین واکسین اطفال میگفت:

کودکان ما را واکسین میکنند تا کلان شوند تا قابلیت نشانه گیری تفنگ و طیاره ایشان را پیدا کنند؟؟

به نظر من، نباید زیاد خوشبین بود که انقلابات کشورهای عربی بتواند مشکل مردم عرب را از ریشه حل نماید و دامن امپریالیزم و سودجویی هایش چیده شود؟ بلکه استعمار با تغییر قیافه و چهره میخواهد پایه های حاکمیت خویش را گسترش داده و منطقه را بنابر ضروریات جدید عصری (گلوبالیزاژن) عیار ساخته و بستر مساعدی برای استثمار مردم منطقه برای سالیان آینده، مساعد ساخته و به زندگی ننگین خویش بقای بیشتری ببخشد.

تحلیل من بر بنیاد گفته مردم خویش که: مارگزیده از ریسمان میترسد! استوار است که تجربه سی ساله ما از تاریخ زنده کشور عزیز ما، گواه این مطلب است. مردم این منطقه با داشتن ذخایر عظیم انرژی و منرالی مورد توجه و هجوم استعمارگران قرار گرفته و به گفته مردم: پوست رویاه بلای جاننش شده است. ورنه امپریالیزم نه در غم حقوق زنان و کودکان ما هستند و نه آرزوی آینده روشنی بر ایمان دارد بلکه مردم منطقه با موجود شیطان صفتی مکار، چون امپریالیزم امریکا - ناتو روبرو هستند و خدانخواستہ نشود که مردم مصر کفن کش سابقه را مثل ما دعای مغفرت نمایند.

شرق میانه بزرگ که توسط ستراتیژیستان نیو لیبرال تعریف و طراحی شده آهسته آهسته به تحقق پذیری نزدیک میشود که به نظر بنده حوادث اخیر تونس و مصر آغازگر این جریان است. خدا کند که گفته من غلط ثابت شود و مردم مصر و سایر کشورهای تحت اسارت استعمار بتوانند ثمرات فداکاری های خویش را به دستان خویش بگیرند و نشود که مانند ما بیچاره ها در عوض همه مصائب و بدبختی های جنگ، صرف به یاد بود افتخارات خویش اکتفاء نمایند و به گفته مردم وردک که میگویند:

"گازره په خوند دی نه یم، په خرپ دی یم!!" ما هم از فداکاری های خود صرف "خرپ" داریم با هزاران مصائب مادی و اجتماعی که دامنگیر ما شده است.

حوادث اخیر شمال افریقا یک حقیقت را به اثبات میرساند و درس خوبی برای عمال و گماشتگان مزدور است؟ این فریفتگان قدرت و تاج و تخت باید بدانند که استعمار هیچ وقت دوست دایمی و دشمن دایمی ندارند؟ و صرف سود و منفعت خویش را میسینجند. بنابراین همه سیاست مداران متوجه باشند که پایگاه مردمی حکومت یگانه تکیه گاه مشروع برای زمامداری است و بس. رژیم های مزدور و دیکتاتوران خودکامه که توسط استعمار بالایی توده های مردم تحمیل گردیدند یکی پی دیگری به گودال نیستی خواهند رفت و توسط ولی نعمتهای شان به مانند کاغذ تشناب به دور انداخته میشوند.

در مورد حوادث مصر و تونس نظر م اینست که امپریالیزم میخواهد بعد از فروریزی ابولهل ها، افراط گرایی مذهبی را در آنجا مسلط ساخته و مردم آن دیار را توسط ایشان خوب گوشمالی داده و بعدا به خاطر به اصطلاح نجات ایشان با تکنالوژی جدید خویش حمله ور شده و پایه های دموکراسی قلبی را تهداب گذاری می نمایند، و هم چنان خواهد گفتند که ما خطر افراط گرایی مذهبی را درست محاسبه نکرده بودیم که کار تا اینجا بکشد. بلی دوستان! همین قسم مقاومت ملی و مردمی ما را در زمان جهاد مقدس چطور به دست اعراب افراطی سپردند؟ چطور دروازه های زندان های کشورهای اسلامی از شمال افریقا تا اندونیزیا و فلپین به روی همه باز گردید و مسلمان و کافر و دزد و جنایت کار را به جبهات افغانستان آوردند. آیا وطن ما با کمبود جوانان فداکار مواجه بود؟ و یا ما این استعداد را داشتیم تا کشور خویش را رهائی بخشیم؟ همین امپریالیزم القاعده را بنا نهاد، آنرا تجهیز و مسلح کرد، تا توانستند برایشان پول دادند و بعدا آنرا به گردن مردم ما انداختند و امروز از عقب ایشان آمدند و خانه و کاشانه ما را خراب میسازند و از کله های ما کلیکسیون ها جور میکنند.

استعمار کهنه کار با بیش از ۳۰۰ سال تجربه استعماری و داشتن هزاران کارکشته های مسلکی جاسوسی چطور میتواند چنین اشتباه بزرگی مرتکب شود؟ این اشتباه نبود و جزئی از پلان ستراتیژیک ایشان بود. و به گفته مشاور امنیت امریکا زببگنیو بژیژنسکی (باز هم چنین خواهیم کرد؟) آنها باید دشمن داشته باشند تا بتوانند زندگی خویش را ادامه دهند.

اقتصاد کاپیتالیستی بنابر ماهیت درونی خویش ضرورت به دشمن سازی دارد تا بتواند از رکود اقتصادی و سقوط نظام

فرتوت خود جلوگیری کند و از طرفی هم اگر جنگ نباشد پس صد ها فابریکه تولیدات اسلحه و تانک و طیارات پیشرفته، با سقوط مواجه شده و هزاران نفر بیکار می ماند و کشور های انحصارگر استعماری بیشترین بخش از درآمد خویش (فروش اسلحه) را از دست می دهند. قبل از جنگ اول خلیج و جنگ های بالکان اقتصاد بریتانیا که بزرگترین بخش درآمد آن را تولیدات نظامی تشکیل می دهد، با سقوط مواجه بود. گله های از جوانان بیکار انگلیس در جرمنی و سایر کشورها دنبال کار بودند. ولی با مشعل شدن آتش جنگ در دو منطقه مهم (خلیج فارس و بالکان) اقتصاد انگلیس نفس تازه ای گرفت و لندن آماده پذیرش هزارها مهاجر گردید.

و اینک امروز که جهان کاپیتالیستی سختترین روزهای اقتصادی خویش را سپری میکنند و بزرگترین کشور اقتصادی دنیا تا گلو در قرض غرق شده، می خواهند که مناسبات جدید را در روی کره زمین برقرار ساخته و نقشه جدید تقسیم جهان را تکمیل نمایند که پلان به وجود آوردن شرق میانه بزرگ سر آغاز همین ادعاست. بلی تاریخ یک بار دیگر فورمولبندی اقتصادی را که دانشمندان و متفکرین اقتصادی صد سال پیش تعریف نموده بودند، تأیید می نماید و ناگزیری رکود اقتصادی کاپیتالیزم و بحران فراگیرش، را نمایان میسازد.

باعرض حرمت